

# هماهنگی خانه و مدرسه



دکتر حسن ملکی

- خوشبختی و سعادت واقعی انسان را چه عاملی تضمین می‌کند؟
- آیا ثروت‌اندوزی می‌تواند همای سعادت را بر فراز زندگی انسان به پرواز درآورد و او را رستگار کند؟
- آیا مقام و جاه و جلال قادر است مسرت و خوشحالی در زندگی انسان به وجود آورد و مانع ورود اندوه جانکاه در وجود آدمی شود؟
- به راستی سعادت واقعی در گرو چیست؟
- به یقین اگر افراد بصیر و آگاه در این سؤالات بیندیشند، به یک پاسخ خواهند رسید و آن "تعلیم و تربیت" است.

## مقدمه

نشان دادن اهمیت این همسویی، بهتر است نگاهی تحلیلی به عملکرد این دو نهاد داشته باشیم. هر یک از اینها در درون خود، نظامی از نقش‌ها را تشکیل می‌دهد. در خانواده، پدر، مادر و فرزندان هر کدام دارای وظایفی هستند و مجموعه وظایف آنها به خانواده قوام می‌بخشد. ثبات، پایداری و بالندگی این نهاد مقدس به میزان احساس مسؤلیت اعضای خانواده در انجام وظایف بستگی دارد. اگر هر یک از اعضا، نقش خود را به طور کامل بشناسد و در اجرای آن کوشش کند، روابط خانوادگی نظام پیدا می‌کند و پایدار می‌ماند. در چنین وضعی است که والدین قادر خواهند بود هدفهای تربیتی مناسب در نظر بگیرند و برای رسیدن به آنها بکوشند.

مدرسه نیز نظام خاص خود را داراست و نقش‌های گوناگون در آن وجود دارد. معلم تدریس می‌کند، مدیر رهبری آموزشی آنجا را بر عهده دارد، دانش‌آموزان نقش یادگیری و رسیدن به هدفهای تربیتی را عهده‌دار هستند و مربی پرورشی امور تربیتی مدرسه را سازمان‌دهی می‌کند. در اینجا نیز موفقیت مدرسه منوط به اجرای هر یک از نقش‌هاست. تصور کنید که اگر مدیر وظیفه خود را بخوبی انجام ندهد، چه مشکلاتی پیش می‌آید؟ نظام مدرسه از هم می‌گسلد و هدفهای مورد انتظار حاصل نمی‌شود و یا اگر دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری را انجام ندهند، کار اصلی مدرسه که همان تربیت و یادگیری است، به نحو مطلوب انجام نمی‌گیرد.

بنابراین می‌توان گفت که قبل از ارتباط خانه و مدرسه باید هر یک از این دو نهاد در درون خود از نظام و وحدت درونی برخوردار باشد.

اگر انسان از همه داراییها و تواناییها و امکانات برخوردار باشد، ولی تربیت نشود و از یک شخصیت سالم برخوردار نگردد، به هر چیز برسد، به خوشبختی واقعی نخواهد رسید. رفتارهای انسان را تصورات و نوع بینش او تعیین می‌کند. آدمی هر طور که به امور زندگی نگاه می‌کند، متناسب با آن رفتار خواهد کرد و نگاه او به زندگی را تعلیم و تربیت شکل می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت آنان که سعادت‌مندی می‌خواهند و مایل هستند از همه استعدادهای فطری خود در جهت رسیدن به قله‌های رفیع کمال استفاده کنند، باید در فکر تربیت خود باشند و اگر نقش پدری و مادری را به دست گرفتند، به تربیت فرزند خود اهمیت دهند.

این کار عظیم تعلیم و تربیت بنا به ماهیتی که دارد، نیازمند هماهنگی است. افراد، مؤسسات و سازمانهایی که به کار تربیت مشغول هستند، باید همسویی داشته باشند و با ایجاد پیوند و هماهنگی بین فعالیتهای تربیتی، به افراد شخصیت سالم بدهند. اگر چنین وحدتی بین عوامل تربیتی شکل نگیرد، پیام‌های تربیتی تنوع پیدا می‌کند و در ذهن و فکر مربی تعارض به وجود می‌آید. تعارض مانع تحقق هدفهای تربیتی است.

## ضرورت ارتباط خانه و مدرسه

هماهنگی خانه و مدرسه در تحقق اهداف تعلیم و تربیت نقش مؤثری دارد. اگر این دو نهاد مهم با یکدیگر تضاد داشته باشند، نه خواسته‌های والدین عملی می‌شود و نه برنامه‌های مدارس به جایی می‌رسد. برای

اضطراب او شدت پیدا می‌کند و یقیناً نخواهد توانست راه رشد و کمال را در وضع آرام و امیدبخش طی کند. معمولاً کجرویهای اخلاقی و اختلالات رفتاری نوجوان در چنین زمینه‌ای رشد می‌کند.

### ویژگیهای دوره نوجوانی و نقش اولیاء و مربیان

دوره نوجوانی از یک جهت حساس‌ترین دوره زندگی است. در این دوره است که استعدادها و تواناییهای وجود، بروز و ظهور پیدا می‌کند و در رفتار نوجوان تجلی می‌یابد. در دوره ابتدایی خیلی از علایق و استعدادها مانند بذری است که در دل زمین پنهان است، در نهاد کودک قرار دارد، ولی در نوجوانی، استعدادها فعلیت می‌یابند و تغییرات اساسی در شخصیت فرد به وجود می‌آورند. اگر انسان از دوره‌های کودکی و نوجوانی به طور سالم گذر کند، در دوره بزرگسالی به مقدار زیاد، سلامت روحی، روانی و اعتقادی او تضمین می‌گردد، زیرا زیربنای شخصیت در سنین آغازین زندگی شکل می‌گیرد و در دوره نوجوانی تحکیم و ثبات می‌یابد. ولی اگر فرد از این دورانهای حساس به نحو معقول و مطلوبی عبور ننماید، در دوره جوانی و بزرگسالی نیز وضع نامطلوبی خواهد داشت. بنابراین مسؤلیت والدین از یک طرف و مربیان و معلمان از طرف دیگر، در دوره نوجوانی اهمیت و ضرورت مضاعف پیدا می‌کند. بر این اساس ویژگیهای اصلی دوره مزبور را طرح می‌کنیم و در مورد هر یک از آنها نقش اولیاء و مربیان را توضیح می‌دهیم.

#### ۱- استقلال عاطفی

دوره نوجوانی، دوره احساس استقلال

این نکته مهمی است که در مباحث ارتباط خانه و مدرسه کمتر از آن سخن گفته شده است. اگر خانواده از نظامی درونی برخوردار باشد و بین نقش‌هایی که افراد انجام می‌دهند ارتباط قوی و ثمربخش وجود داشته باشد، می‌تواند با مدرسه ارتباط کارآمد و مفید برقرار کند. اگر در نهاد خانواده، روابط از هم بگسلد و بین مرد و زن و یا والدین با فرزندان اختلاف و تضاد وجود داشته باشد، تعلیم و تربیت از اهمیت ساقط می‌شود و در اثر آشوبهای خانوادگی، اختلالات رفتاری و عاطفی در شخصیت افراد شکل می‌گیرد. در چنین وضعی چطور ممکن است که والدین آمادگی و علاقه لازم را برای ارتباط با مدرسه داشته باشند؟

در مورد مدرسه نیز این مطلب صدق می‌کند. اگر مدیر، معاون، معلم، مربی پرورشی، دانش‌آموز و غیره روابط سالم و در عین حال مودت و پویایی داشته باشند، به طور طبیعی به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به عنوان یک اصل مهم نگاه می‌کنند، ارتباط با والدین را ضروری و مهم در نظر می‌گیرند و بدان عمل می‌کنند.

لزوم و اهمیت نظام درونی هر یک از دو نهاد و ارتباط مؤثر آنها با یکدیگر، زمانی وضوح بیشتری پیدا می‌کند که قدری در ویژگیهای نوجوان تأمل کنیم. در دوره بلوغ، به طور طبیعی نوعی عدم آرامش و اطمینان در فرد به وجود می‌آید. نوجوان در مقابل سوالات عدیده‌ای قرار می‌گیرد که نیاز دارد به آنها پاسخ دهد. اگر خانواده یعنی محل زندگی نوجوان از هم گسیخته باشد، یا مدرسه از تعادل و آرامش لازم برخوردار نباشد، و بین خانه و مدرسه، برای وحدت‌بخشی به برنامه‌های تربیتی ارتباط و هماهنگی لازم موجود نباشد، عدم اطمینان و

والدین گسسته می‌شود.

مسئولان مدرسه نیز در برنامه‌ریزی برای نوجوان و برخورد با او باید به ویژگیهای این مرحله سنی توجه کافی داشته باشند. تشکیل گروههای کاری بین دانش‌آموزان و مشارکت دادن آنان در اداره امور مدرسه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند حس استقلال عاطفی را در نوجوان تقویت کند و او را به مدرسه و معلم علاقه‌مند سازد. مدیر و معلم و مسئولان دیگر مدرسه، لازم است به این نکته توجه داشته باشند که نوجوان از دوره کودکی گذشته و در مرحله‌ای قرار دارد که مایل است در امور تحصیلی و برخی امور غیر درسی با او گفت‌وگو کنند. هر قدر کلاسهای درس به صورت بحث و گفت‌وگو اداره شوند و در مطالب درسی، نوجوان اکتانگردد، به همان اندازه فهم و درک او از محتوای کتاب عمیق‌تر می‌شود.

## ۲- زیبایی‌گرایی

در دوره بلوغ، حس توجه به ظاهر و زیبا دانستن و زیبا نشان دادن خود در فرد تقویت می‌شود. این حالت با نیازهای دیگر نوجوان پیوند و ارتباط دارد. بیشتر بیان شد که نوجوان نیاز به مقبولیت اجتماعی دارد و مایل است او را در گروهها، در خانواده و مدرسه بپذیرند و به دیده احترام و ارزش به او بنگرند. نوجوان برای مقبول واقع شدن، نسبت به ظاهر و تیپ و قیافه خود نیز حساس می‌شود. دیده می‌شود که نوجوان جلوی آینه می‌ایستد، به خود نگاه می‌کند و سعی می‌نماید که خود را آراسته سازد. به خصوص دختران در این مورد حساسیت بیشتری پیدا می‌کنند. حتی تمایل پیدا می‌کنند که شبیه دیگران باشند و والدینشان مثل

است. به این معنا که وابستگی به پدر و مادر در ذهن و وجود نوجوان تضعیف می‌گردد و گرایش به گروههای همسالان در او تقویت می‌شود. نوجوان، نیاز و علاقه پیدا می‌کند که رأی و نظر او را نیز به حساب آورند و برای آن اهمیت قائل شوند. نوجوان، مایل نیست او را ناتوان و وابسته به دیگران، که از ویژگیهای دوران کودکی است، محسوب کنند. او اگر احساس کند که مانند بزرگسالان در تصمیم‌گیریها مؤثر است و در انجام کارها مورد مشورت قرار می‌گیرد و به مشارکت دعوت می‌شود، خوشحال می‌گردد. اما اگر ببیند که دیگران به جای او تصمیم می‌گیرند، نگران می‌شود. البته خودش نیز هنوز به مرحله پختگی نرسیده است که به نحو مطلوب و معقول تصمیم بگیرد. آنچه والدین و مربیان باید به آن توجه کنند، شخصیت دادن به نوجوان است. وقتی که با او حرف می‌زنند، نباید یک‌طرفه و دستوری سخن بگویند، زیرا در این دوره، پیام و حرف آمرانه اصلاً نافذ نیست و بلکه عکس‌العمل منفی نیز ایجاد می‌کند. باید لحن کلام و واژه‌هایی که انتخاب می‌شود محبت‌آمیز و لطیف باشد و فضایی برای اظهارنظر و مشارکت نوجوان به وجود آورد. در انجام کارها با او مشورت شود. وقتی که والدین یا او مشورت می‌کنند، رابطه عاطفی بین آنان تقویت می‌گردد و همدلی افزایش پیدا می‌کند. وقتی چنین شبکه ارتباطی در خانه شکل گرفت، پیام‌های تربیتی و توصیه‌های افراد به یکدیگر نیز به آسانی منتقل می‌شود و تأثیر می‌گذارد. در خانواده‌ای که روابط سالم بین اعضای آن وجود نداشته باشد، حرفها در دل می‌ماند، بدبینی‌ها به وجود می‌آید و نوجوان از

تسنا رفتار نوجوان اصلاح نمی‌گردد، بلکه ناسازگاری و عدم امنیت نیز در وجود او شکل می‌گیرد.

### ۳- نیاز به راهنمایی

نوجوان در امور درسی و حرفه‌ای به راهنمایی نیاز دارد. او علاقه دارد که بداند چه استعدادی دارد و کدام رشته و حرفه را در آینده باید انتخاب کند. در این زمینه نیز والدین و مربیان موظف هستند راهنمایی لازم را به عمل آورند. لازمه این کار آن است که والدین در طول زمان علایق و تواناییهای فرزند خودشان را مورد توجه قرار دهند و در دوره نوجوانی با توجه به شناخت و آگاهی قبلی درباره او قضاوت کنند. اگر این شناخت حاصل شود، به راحتی می‌توانند فرزند خودشان را در جهت صحیح راهنمایی کنند. اشتباه در انتخاب رشته تحصیلی و راه زندگی، از اشتباهات رایج در این دوره است. یعنی غالباً نوجوان مطابق تصورات، انتظارات و القائاتی که دیگران در او به وجود می‌آورند، دست به انتخاب می‌زند و کمتر در این باره می‌اندیشد که: من کیستم؟، چه علایقی دارم و کدام مسیر را باید انتخاب کنم؟ هر قدر این حالت قوی‌تر باشد، حاکی از این است که از طریق مدرسه و خانواده، راهنمایی لازم به عمل نمی‌آید. والدین باید به ویژه با مسؤولان مدرسه، و یا فردی که مستقیماً به امور مشاوره و راهنمایی دانش‌آموزان می‌پردازد، در تماس باشند و به طور مرتب با آنان همفکری و هم‌اندیشی کنند تا بتوانند راهنمای فرزند خود باشند. به خصوص در مورد انواع رشته‌های تحصیلی و شرایط آنها، والدین ممکن است اطلاعات کافی نداشته باشند و بدون ارتباط با مدرسه نتوانند به

والدین دانش‌آموزان دیگر لباس بپوشند و از همین رو ممکن است که رغبت به خودآرایی در آنان به وجود آید. پسران نیز ممکن است موهای خود را بلند کنند، و حتی اگر قدری ناپخته باشند و زمینه تربیتی سالم نداشته باشند، به طرق نامطلوب، مانند سیگار کشیدن و غیره خود را مطرح می‌کنند. رابطه والدین با مدرسه، در این زمینه نیز بسیار مهم و ثمربخش است. اولاً به نظر می‌رسد که والدین باید قبل از هر چیز این ویژگی را بپذیرند و رفتارهای نوجوان را غیرطبیعی و نامعقول محسوب نکنند. به عنوان مثال، وقتی که ملاحظه می‌کنند فرزندشان اصرار بر این دارد که لباس معینی را بپوشد، نباید با برخورد تند او را مورد شماتت و توهین قرار دهند، برای اینکه نمی‌توان او را از رفتاری که ریشه در یک نیاز دارد، منع کرد. ولی باید با روشهای مناسب و نصایح به موقع و توأم با همدلی، نوجوان را متوجه جنبه‌های مختلف یک رفتار بنمایند. توجه به ظاهر تا حدی خوب است، زیرا گرایشی را نوجوان پاسخ می‌دهد، ولی ممکن است به علت ناپخته بودن و احساسی بودن وی، افراط و یا انحراف به وجود آید. برای جلوگیری از ابعاد منفی حس زیباگرایی، ارتباط خانه و مدرسه بسیار ضروری است. مثلاً اگر والدین مشاهده نمودند که فرزندشان تمایل به آرایش پیدا کرده است، یا علاقه به پوشیدن لباس نامناسبی دارد و یا حجاب خود را رعایت نمی‌کند، باید با مشاور و یا دبیر مربوط مشورت و گفت‌وگو کنند و در برخورد با این نوع رفتارها، هماهنگی لازم را به وجود آورند. در این موارد، اگر والدین رفتاری را تأیید کنند، ولی مربی پرورشی و یا مسؤول دیگری در مدرسه همان رفتار را نفی کند، نه

بخشی از اوقات فراغت خود را در کنار پدر و مادر بگذرانند. درست است که او به همسالان و دوستان گرایش بیشتری دارد، ولی اگر والدین با وی ارتباط عاطفی و اجتماعی مناسب داشته باشند، نوجوان با آنان هم صحبت می‌شود، از گفت و گو با آنان لذت می‌برد و در برقراری ارتباط با دیگران نیز افراط یا تفریط نمی‌کند. از طرف دیگر چون نوجوان در طول روز در مدرسه به سر می‌برد و در بیرون از مدرسه نیز عمدتاً با دوستان خود ارتباط دارد، نقش مدرسه در راهنمایی او برای گذراندن اوقات فراغت بسیار مؤثر است. مدرسه می‌تواند با هماهنگی والدین، فعالیتهای فرهنگی و تفریحی سالم پیش‌بینی کند و به طور غیرمستقیم رفتارهای دینی، اجتماعی و فرهنگی مورد انتظار را در دانش‌آموزان تقویت نماید. به ویژه در ایام تابستان که دانش‌آموزان از درس و بحث و تکلیف رسمی فارغ شده‌اند، تنظیم برنامه مناسب برای اوقات فراغت آنان، لازمه رشد و کمال ایشان است.

نکته دیگر اینکه اگر والدین در گذراندن اوقات فراغت فرزندشان مسأله و اشکالی را مشاهده کردند، باید آن را با مسؤولان مدرسه در میان بگذارند و با تبادل اطلاعات، تصمیم معقول بگیرند. البته در این قبیل موارد نباید طوری رفتار کنند که عدم اعتماد در نوجوان به وجود آید و او را حساس کند که از رفتارهای او مطمئن نیستند و دائماً مراقب او هستند.

والدین و مربیان نباید به طور اقراطی در کارهای نوجوان دقیق شوند، ولی بررسی، قضاوت و داوری درباره رفتار او و نحوه سپری نمودن اوقات فراغت را همیشه مدنظر داشته باشند.

سؤالات فرزندشان پاسخ درست دهند و آنان را هدایت کنند.

#### ۴- گذراندن اوقات فراغت

اوقات فراغت، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی امروزی است که نحوه گذراندن آن، هم ممکن است باعث سلامت، رشد و کمال فرد شود و هم موجب کندی، انحراف و انحطاط آدمی گردد. به خصوص در دوره نوجوانی، اوقات فراغت اهمیت زیادی دارد، زیرا نوجوان از یک سو مایل به برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه همسالان است، از یکنواختی گریزان است و در کارها و امور زندگی خود تنوع می‌خواهد و از سوی دیگر، هنوز به پختگی کامل نرسیده است. اگر نوجوان برای گذراندن اوقات فراغت، درست راهنمایی نشود، ممکن است به انجام اموری گرایش پیدا کند که آثار نامطلوب برای او داشته باشد. والدین باید در داخل منزل فضایی به وجود آورند که نوجوان

